

ویژه نامه «تحدید نسل از منظر آیات و روایات»

معاونت پژوهش مدرسه و موسسه آموزش عالی حوزوی زینیه

۱۴۰۰-۱۴۰۱



در این ویژه نامه می خوانید:

- تعریف تنظیم خانواده ۲
- نظریات جمعیت شناسی ۳
- *موافقان افزایش جمعیت ۳
- *مخالفان افزایش جمعیت ۴
- ادله موافقان تحدید نسل ۵
- ادله مخالفان تحدید نسل ۱۰



► تعریف تنظیم خانواده

► در تعریف تنظیم خانواده در اصطلاح آورده اند که تنظیم خانواده در اصطلاح جمعیت شناسی عملی است آگاهانه و ارادی که هم در سطح خانواده و هم در سطح جامعه دارای هدف می باشد. در سطح خانواده هدف از آن توازن میان امکانات اقتصادی و تعداد اولاد است و در سطح جامعه به منظور ایجاد تعادل میان جمعیت و تولید انجام می گیرد. (تقوی، ۱۳۸۸، ص ۷۳)

► با این تعریف مشخص می شود که تنظیم خانواده لزوماً به معنای محدود ساختن موالید نیست بلکه گاهی مستلزم تکثیر جمعیت است لذا بین دو واژه‌ی تحدید نسل و تنظیم خانواده تفاوت وجود دارد چرا که تنظیم خانواده همان طور که می تواند در راستای قلّت جمعیت باشد می تواند در راستای کثرت و یا ثابت نگه داشتن جمعیت باشند. در خصوص تنظیم خانواده چهار نظریه‌ی جمعیت شناسی مطرح شده است.

نظریات جمعیت شناسی



الف - موافقان افزایش جمعیت

این نظریه در گذشته طرفداران بیشتری را به خود اختصاص داده است. طرفداران آن از آن هایی که قدرت یک قوم را به واسطه ی کثرت جمعیت آن می پنداشته اند، با تحدید نسل مخالف و از افزایش جمعیت جانبداری می کردند. ریشه ی این تفکر در گذشته ی تاریخ است که قدرت یک قوم را که در کثرت سپاه و نیروی کار و آبادانی و عظمت سیاسی و اقتصادی آن قوم می دانستند. این مطلب حقیقتی مسلم بوده که هنوز نیز باقی است کثرت جمعیت برای یک گروه تا حدود زیادی قدرت سیاسی و اقتصادی و مهم تر از آن اقتدار فرهنگی را در پی دارد. اگر در جایی این اقتدار محقق نمی شود به واسطه ی موانعی مانند فقر و تهیدستی است که در این خصوص می توان به آیه ی شریفه ی «وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ» (نوح، ۱۲) استناد کرد زیرا اولاد را در کنار اموال از مصادیق مدد الهی معرفی کرده است.

ب- مخالفان افزایش جمعیت

این نظریه مرتبط به فردی انگلیسی به نام توماس رابرت مالتوس بود که به نفی رابطه ای فقر و توزیع نابرابر ثروت قائل بود و فقر را ناشی از کثرت جمعیت می دانست لذا مبارزه با فقر را در مخالفت با افزایش جمعیت منحصر می سازد. (بهنام، ۱۳۴۸، ص ۷۱۷) او با راه هایی نظیر سقط جنین و یا آزادی جنسی خارج از زناشویی و یا هم جنس بازی به صراحت مخالفت می کند لذا الزام اخلاق قبل از ازدواج و بالا رفتن سن ازدواج را پیشنهاد می کند و معتقد است جامعه نباید به افراد فقیر کمک کند تا در اثر سختی معیشت، کم تر دارای فرزند شوند.

گروهی امروز فراتر رفته برای جلوگیری از تکثیر جمعیت خود را پای بند هیچ معیار اخلاقی نمی دانند. (تقوی، ۱۳۸۸، ص ۵۳)

بر سخنان او اعتراضات بسیاری وارد شده که در جای خود قابل بررسی است. از جمله این که فقرا بیشتر از اغنیا فرزند دارند و نتیجه گرفته که فقر علت کثرت جمعیت است نه معلول آن. (نیک خواه، ۱۳۷۴، ص ۱۴۵)

البته پر واضح است که بدون عنایت به توزیع برابر و عادلانه ی ثروت، فقر جهانی صرفاً با جلوگیری از کثرت جمعیت از بین نمی رود هر چند روند رشد فقر را کند کند.

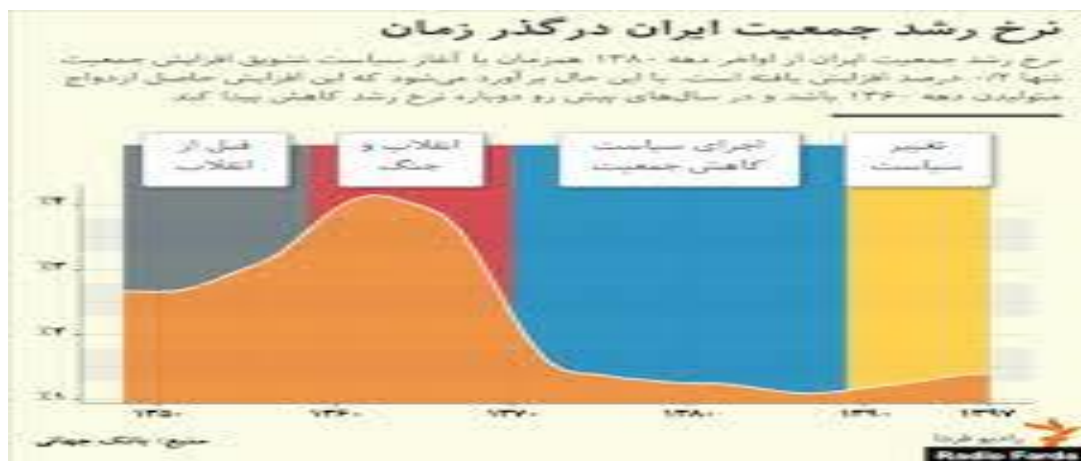


ادله موافقان تحدید نسل

► موافقان تحدید نسل برای نظریه خود دلایلی آورده اند که به شرح ذیل است:

الف) اصل اباحه

► بنابر اصل اباحه که در اصول فقه حجیت آن ثابت گردیده است هر گاه در شبهات حکمیه در حرمت چیزی شک شود، بنا را باید بر حلیت و اباحه آن گذاشت بنابراین اگر دلیل قطعی بر حرمت تحدید نسل (کنترل موالید) یافت نشد اصل، حلیت و جواز آن است. (ایازی، ۱۳۷۴، ص ۴۳)



► (ب) جواز عزل

- از دلایل عمده عدم وجوب تکثیر نسل و جواز تحدید نسل، جواز عزل است، دلیل جواز عزل، روایات متعددی است که از طریق خاصه و عامه روایت شده است، این روایات چند دسته هستند:
- در دسته ای از روایات به طور مطلق حکم به جواز عزل شده است؛ مانند صحیح محمد بن مسلم از امام صادق (علیه السلام): در مورد عزل از حضرت سؤال کردم فرمود: «ذَاكَ إِلَى الرَّجُلِ يَصْرِفُهُ حَيْثُ يَشَاءُ» (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۵، ح ۳، ص ۵۰۴)؛ «اختیار آن با مرد است که هر طوری که می خواهد آن را صرف کند». و همچنین در موثق عبد الرحمن بن عبد الله آمده است؛ از امام صادق (علیه السلام) در مورد عزل سؤال نمودم فرمود: «ذَاكَ إِلَى الرَّجُلِ» (همان، ح ۱ و شیخ طوسی، ۱۳۶۵ هـ. ش، ج ۷، ص ۴۱۶)؛ «اختیار آن با مرد است».
- در این دسته روایات جواز عزل مطلق است و اختصاص به دسته خاصی از زنان با شرایط ویژه ندارد.
- از دسته ای از روایات استفاده می شود که عزل در مورد کنیز، زن مسن، زنی که یقین دارد بچه دار نمی شود، زن بی حیا، زن پست و زنی که فرزندش را شیر نمی دهد اشکال ندارد. مانند «لَا بَأْسَ بِالْعَزْلِ فِي سِتَّةِ وُجُوهِ الْمَرْأَةِ الَّتِي أُبْقِنَتْ أَنَّهَا لَا يَلِدُ وَ الْمُسِنَّةِ وَ الْمَرْأَةِ السَّلِيْطَةِ وَ الْبَذِيَّةِ وَ الْمَرْأَةِ الَّتِي لَا تَرْضَعُ وَلَدَهَا وَ الْأُمَّةُ» (همان، ص ۴۹۱)

از بعضی از این روایات استفاده می شود که عزل از زن آزاد در ازدواج دائم در صورتی که هنگام عقد با وی شرط شده باشد، اشکال ندارد. از جمله صحیحه محمد بن مسلم از امام صادق (علیه السلام) یا امام باقر (علیه السلام) نقل می کند که از ایشان در مورد عزل سؤال شد؛ امام فرمود: عزل در مورد کنیز مانعی ندارد و اما در مورد زن آزاد، من مکروه می دارم آن را مگر این که در زمان ازدواج با وی شرط کرده باشد. «أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الْعَزْلِ فَقَالَ أَمَّا الْأَمَةُ فَلَا بَأْسَ وَ أَمَّا الْحُرَّةُ فَإِنِّي أَكْثَرُهُ ذَلِكَ إِلَّا أَنْ يَشْتَرِطَ عَلَيْهَا حِينَ يَتَزَوَّجُهَا» (کلینی، همان، ص ۴۱۷).

در مقابل پاره ای دیگر از روایات وجود دارد که از آن ها استفاده می شود که عزل از زن آزاد در ازدواج دائم حتی در صورتی که با وی شرط نشده باشد اشکالی ندارد. محمد بن مسلم از امام باقر (علیه السلام) نقل می کند که فرمود: «لَا بَأْسَ بِالْعَزْلِ عَنِ الْمَرْأَةِ الْحُرَّةِ إِنْ أَحَبَّ صَاحِبُهَا وَ إِنْ كَرِهَتْ، لَيْسَ لَهَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ» (کلینی، همان، ح ۲). «عزل از زن آزاد مانعی ندارد اگر مرد دوست داشته باشد و اگر زن ناراضی باشد، نسبت به این امر حقی ندارد.»

می بینیم که روایات در مورد زن آزاد در ازدواج دائم به ظاهر متعارض هستند اما در مورد ازدواج موقت فقهای امامیه به اتفاق عزل را جایز می دانند (نجفی، ۱۴۱۲ ه. ق، ج ۱۰، ص ۴۰۵). بنابر این تنها موردی که نیازمند تأمل است جواز عزل در ازدواج دائم است، در ازدواج دائم نیز به دلیل روایت خاصی که در این زمینه وجود دارد، در صورتی که عزل در ضمن عقد شرط شده باشد، فقها حکم به جواز عزل نموده اند (نجفی، همان، ص ۴۰۷-۴۰۵). از سوی دیگر فقها به اتفاق در صورت اذن و رضایت زوجه نسبت به جواز عزل حکم نموده اند (نجفی، همان، ص ۴۰۶). دلیل بر آن علاوه بر روایتی که در این زمینه وارد شده (عاملی، همان، ج ۱۴، ص ۱۰۶)، این است که جایز بودن اشتراط ضمن عقد نشان می دهد که عدم عزل از حقوق زوجه بوده و از سوی او قابل اسقاط می باشد (نجفی، همان، ص ۴۰۶).

در هر صورت جواز عزل در صورتی که نه زوجه اذن داده باشد و نه ضمن عقد شرط شده باشد، مورد اختلاف فقها قرار گرفته است. برخی از فقها فتوی به حرمت داده اند (طوسی، مسوط، ج ۴، ص ۳۶۷). دلیل شان بر حرمت، روایت پیامبر است که در آن آمده است پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از عزل بدون اذن همسر آزاد، نهی فرمود (نوری، همان، ج ۱۴، باب ۵۷ از ابواب، مقدمات نکاح، ح ۱) و نیز پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده اند: عزل زنده به گور کردن پنهان است. (طبرسی، ترجمه مجمع البیان، همان، ج ۵، ص ۴۴۳) دلیل دیگر آن که عزل سبب از دست رفتن هدف اصلی ازدواج یعنی استیلا (طلب اولاد) و همچنین سبب از بین رفتن حق زوجه که التذاذ است می گردد (نجفی، همان، ص ۴۰۵).



► در مقابل قول به حرمت، نظر مشهور این است که: عزل در این صورت جایز اما مکروه است. دلیل آنها روایاتی است که به طور مطلق عزل را جایز می داند، مشهور با توجه به این روایات که برخی از آنها از حیث دلالت و سند نیز معتبر هستند، چنان چه جمع فقهی اقتضا می کند فتوی به جواز عزل داده اند و روایات ناهی را حمل بر کراهت نموده اند (همان، ص ۴۰۵ و ۴۰۶).

► در هر صورت، علی رغم مخالفت پاره ای فقهای مشهور فقهای متقدم و متأخر قائل به جواز عزل که نوعی کنترل موالید می باشد هستند (همان، ص ۴۰۷). و از روایات نیز بر می آید که استفاده از این روش در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه (علیهم السلام) نیز متداول بوده و تقریر معصومین (علیهم السلام) نیز خود دلیل مستقلی بر جواز عزل به شمار می رود.

► چنانچه احمد بن حنبل از جابر چنین نقل کرده است: «كُنَّا نَعْزِلُ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله و سلم) و القرآن ينزل» (سند احمد، ج ۳، ص ۳۰۹)؛ «ما در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) عزل می کردیم و قرآن نازل می شد (آیه ای در نهی این عمل نازل نشد).»

► نتیجه اینکه عزل در صورت عدم رضایت زوجه و عدم اشتراط ضمن عقد مکروه است؛ اما در صورتی که زوجه اذن دهد یا ضمن عقد شرط شود، کراهت آن مرتفع شده یا از شدت آن کاسته می شود (نجفی، همان، ص ۴۰۶).

ادله مخالفان تحدید نسل

الف) کنترل موالید مخالف عقیده رازقیت خداوند

مخالفان تحدید نسل دلایلی از قرآن و روایات و برخی مرجحات اجتماعی و سیاسی برای نظر خود بیان کرده اند برخی از صاحب نظران با استناد به رازقیت خداوند و تأمین روزی همه موجودات از سوی او، هراس از فقر و تنگدستی را امری بی معنا دانسته و بر همین اساس اظهار داشته اند، که تحدید نسل با اعتقاد به رازقیت خداوند منافات دارد (طهرانی، همان، ص ۳۳۷). در آیات متعددی از قرآن صریحاً از رازقیت خداوند سخن گفته است و این که هیچ جنبنده ای نیست، مگر این که خداوند رحمان روزی وی را بر عهده گرفته و تأمین می نماید. از این رو ترس از فقر و ناکافی بودن منابع طبیعی، دلیل موجهی برای تنظیم خانواده و کنترل جمعیت نیست. خداوند در قرآن کریم می فرماید: «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا» (هود، ۶)؛ هیچ جنبنده ای در زمین نیست مگر این که روزی او به عهده خداوند است و نیز در جای دیگر قرآن می فرماید: «لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ» (انعام، ۱۵۱) و فرزندان را از ترس تنگدستی نکشید ما به شما و آنها روزی می رسانیم» در آیات مذکور خداوند متعال روزی رساندن به همه انسان ها و موجودات را تضمین نموده است و نیز در آیات دیگری گنجایش زمین را برای زندگان و مردگان ضمانت نموده است در آیه «أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا أَحْيَاءَ وَ أَمْواتًا» (مرسلات، ۲۵ و ۲۶) «آیا ما به زمین گنجایش فراگیری و حمل زندگان و مردگان را نداده ایم؟ لذا نباید از ترس محدودیت جغرافیایی و انفجار جمعیت توالد و تناسل را محدود نموده چرا که این امر سوء ظن به خداوند متعال است و با آیات قرآن منافات دارد.

ب) عوارض و مفاسد جسمی و روحی کنترل موالید

و از دلایل دیگری که در مخالفت با تحدید نسل می آورند علاوه بر مفاسد اخلاقی و شرعی خوردن داروهای ضد بارداری و عوارض خطیر برخی از روش های جلوگیری از بارداری مانند وازکتومی و توبکتومی است که با تحقیقات علمی و پزشکی به اثبات رسیده است و فوائد بی شمار بارداری برای زنان و مضرات بیشمار نازایی که در علم پزشکی مطرح شده است را به عنوان دلیل دیگری بر مخالفت با تحدید نسل آورده اند (حسینی طهرانی، همان، ص ۴۱ تا ۸۴ به نقل از مقاله دکتر ناصر سیم فروش در ابطال بستن لوله های زنان و مردان از نظر پزشکی). از جمله عوارضی که برای مردان در عزل و راه های دیگر جلوگیری بیان کرده اند عبارت است از: کسالت اعصاب، غیر قابل برگشت بودن عقیمی، هماتوم (خون ریزی و تجمع لخته در محل عمل) درصد بالای عفونت در محل عمل، درد بیضه و تورم مضمن موقع بستن لوله (اکزانولوم) که موجب اختلال فکر بیمار شده و کارایی شغل او را کاهش می دهد، ناتوانی جنسی، عوارض عمومی، افزایش شیوع سرطان پروستات و افزایش خطر عوارض قلبی عروقی و تصلب شرائین (همان، ص ۷۰ تا ۷۲). و عوارضی را که برای زنان در جلوگیری از بارداری با روشهای مختلف بر شمرده اند عبارت اند از: کسالت و مرض جسمی و روانی، غده فیبرم و سرطان رحم، کسالت قلب، اختلال جریان خون، افزایش درصد سرسام آور سرطان پستان، هیدروسالپینکس، آندرومتری (Endometriosis) و بی نظمی در ترشحات غدد داخلی بدن، درد های موضعی دراز مدت، بروز ناهنجاری در دیواره مخاطی رحم، خطر مرگ در عقیم سازی و از عوارض عمل جراحی می توان انجام ناقص عمل، خونریزی، از دست دادن حساسیت موضعی، نفخ دائم شکم، سوختگی، ضایعات وارده بر لگن و رگهای خونی و بالاخره عفونت، سوختگی های وسیع سوراخ شدن روده یا دیواره شکم یا مثانه یا رحم، انسداد روده، ایجاد فتق در روده کوچک در نتیجه سوراخ شدن رباط ها، چرخش مجرای رحم و... (همان، به نقل از مقاله تنظیم خانواده ضامن سلامت مادر و فرزند از ف. م. هاشمی ص ۴۱ و ۴۵ و ۷۷ و ۸۵) را نام برد وازکتومی: عمل جلوگیری دائمی در آقایان، توبکتومی: روش دائمی پیشگیری از بارداری در زنان با بستن لوله های رحمی

➤ (ج) کنترل موالید و مقاصد شوم استعمار

دلیل دیگری که در این راستا آورده می شود مفاسد و مقاصد شوم استعمار و عواقب سیاسی و اجتماعی که در تحدید نسل وجود دارد می باشد که علامه طهرانی این مفاسد و مقاصد شوم را به تفصیل در کتاب رساله ی نکاحیه ی خود با ادله و مدارک مضبوط آورده اند که بیان آن اطاله ی کلام را در در این مجال به همراه دارد لذا فقط به نحو تیتروار به برخی از آن ها اشاره می شود:

کاهش جمعیت و تجزیه ی کشورها که عامل اصلی آن دول سلطه گر می باشند.

سیاست کنترل جمعیت برای به بازار کشاندن زنان و هدر دادن عمر آنان است.

غرب به لزوم کاهش جمعیت کشورهای اسلامی و جهان سوم بعد از جنگ جهانی دوم پی برد.

مخفی نگه داشتن نظر مراجع و اعلام در عقیم کردن زنان و مردان مسلمان و کاهش جمعیت.

اجباری بودن محدودیت نسل در جهان سوم در حالیکه در غرب برای خانواده های پرجمعیت

امتیازاتی قائل هستند و عدم اجرای کنترل جمعیت در اسرائیل.

استعمار برای قطع نسل سرخ پوست ها میلیون ها زن را توبکتومی کرد.

انتشار مرض ایدز در مصر توسط آمریکا، انگلیس و اسرائیل برای هلاکت نسل کشور مصر

شعار «فرزند کمتر زندگی بهتر» شعار استعمار

انفعال ذهن و عقل سلیم در اثر تبلیغات فریبنده تلویزیون ، ماهواره و دیگر رسانه ها ..

در مجموع با تأملی در آراء موافقان کنترل موالید و مخالفان کنترل موالید به نظر می رسد که همان طور که در فصل گذشته بیان شد مطلوب بودن استیلاد گرچه عام و فراگیر است اما مقیدات و مخصصات دارد که تحت عناوین ثانویه کنترل آن مجاز شمرده شده است لذا گاهی قلت یا کثرت فرزندان و رجحان یکی از آن ها بر دیگری وابسته به شرایط زندگی فردی و اجتماعی است که این شرایط و عناوین ثانویه و مقیدات کنترل موالید را گاه مطلوب و گاه مذموم می سازد.

لذا کنترل موالید فی نفسه در روایات مجاز شمرده شده همان طور که بیان شد در شرایطی فقها فتوی به کراهت داده اند نه حرمت اما گاهی مقیداتی این جواز را محدود می کند اما رسیدن آن تا سرحد ممنوع شمردن کنترل موالید و حرمت آن قابل تأمل است.

